

هزارتوی خیال / ۷

در جستجوی ایمان از دست رفته



«اولین بچه‌هایی که برآمدگی تیره‌رنگ و سوسه‌انگیز را دیدند که از سطح دریا به آنها نزدیک می‌شد فکر کردند که کشتی دشمن است. آن وقت دیدند نه پرچمی دارد و نه دکلی، فکر کردند نهنگی است اما وقتی آب آن را به ساحل انداخت، گیاه‌های دریایی شاخک‌های عروس دریایی و بقایای ماهی‌ها و تفاله‌های دریایی را که از روی آن کنار زدند تازه فهمیدند مرد غرق‌شده‌ای است». داستان «زیباترین غریق جهان» مارکز با این پاراگراف شروع می‌شود. این یکی از بهترین پاراگراف‌های شروعی است که من تا به حال خوانده‌ام. فضا سازی می‌کند، چیدمان (Setting) داستان را نشان می‌دهد و مهم‌تر از همه: گره‌افکنی می‌کند؛ این چه‌جور مرد مرده‌ای است که اول با کشتی اشتباه گرفته می‌شود و بعد با نهنگ و باید عوارض دریایی را از صورتش کنار زد تا فهمید آدمیزاد است؛ رازآلودگی از همین ابتدا شروع می‌شود و تا پایان داستان ادامه می‌یابد. چرا! چون «زیباترین غریق جهان» داستانی است درباره ایمان؛ این حلقه مفقوده جهان و زندگی مدرن. مارکز این داستان را در سال ۱۹۲۸ نوشته؛ روزگاری که بشر مبهوت از جنگ‌های جهانی و بمب‌های اتمی و هولوکاست. تهی از ایمان و نیازمند بازسازی هستی‌شناسانه، دارد تلاش می‌کند خودش را پیدا کند. دریا جنازه مغروری را تحویل مردم روستایی دورافتاده می‌دهد که «بلندترین، قوی‌ترین، چهارشانه‌ترین و خوش‌اندام‌ترین» مردی است که در تمام عمرشان دیده‌اند. او چنان شکوهمند است که اهالی روستا فکر می‌کنند اگر «در دهکده آنها زندگی می‌کرد، خانه‌اش پهن‌ترین درها، بلندترین سقف‌ها و محکم‌ترین کفپوش‌ها را داشت»، پیرترین زن‌ها اسم مرد مرده را «استبان» می‌گذارند و استبان در سنت مسیحیت، به‌نوعی شهید اول است؛ اولین کسی که به‌خاطر اعتقادش سنگسار شد. وقتی سعی می‌کنند به او لباس بپوشانند و برای تشییع و بدرقه تا دریا آماده‌اش کنند اروستای آنها چنان کوچک است که برای خاکسپاری جنازه‌ها جا ندارد و به‌ناچار جنازه‌ها را به دریا می‌اندازند، «نیروی پنهان قلبش دگمه‌های پیراهن را از جا» می‌کند و مردم روستا او را مجسم می‌کنند که به‌خاطر بزرگی و شکوهش چه زندگی سختی را از سر گذرانده؛ محکوم بوده «از میان درها یلثوری تو برود تا سرش به چارچوب درها نخورد». در آخرین لحظه، برای اینکه او را مثل پتیم‌ها به خاک نسپرند، از میان خودشان برایش مادر و پدر و قوم‌خویش انتخاب می‌کنند و به‌این‌ترتیب استبان، همه مردم روستا را با هم خویشاوند می‌کند. کمی بعد، پیش از سپردن پیکر استبان به دریا، مردم روستا برای اولین بار درمی‌یابند که «کوچه‌های‌شان تا چه حد باریک، حیاط‌های‌شان چقدر خشک... و رویاهای‌شان چقدر حقیر است». آنها بعد از وداع با استبان، تصمیم می‌گیرند سروشکل روستای‌شان را عوض کنند تا خاطره او را برای همیشه زنده نگه دارند. مارکز در این داستان در جست‌وجو است؛ در جست‌وجوی ایمان از دست‌رفته و چه روایت جادویی و چه تصاویر سحرآمیزی خلق می‌کند. یک‌بار خواندنش کافی است تا برای همیشه مسحورش بمانی.

اینستاگرام

تینا پاکرون

نفسم می‌گیرد و دلم بیشتر از این حجم صبوری مردمان شریف خوزستان. اینجا شهر من بود و لب کارون، چه گل بارون. جنگ خانه‌های‌شان را بر سرشان آوار کرد. ای کاش کسی بود حق‌شان را هوار می‌کرد. ما همچنان اندر خم جایزه این و آنیم و منفعت خود، اینجا مردمانند و اگر پشت دشمنی بر خاک نشست بر همین خاک بود که الان نفس قهرمانان و کودکانش را گرفته است. اینجا شهر من بود و آرزوی شیخ‌نشینان عرب، داشتن چنین جایی بود. از ما دریغ شد. سازندگی که نشد هیچ کارون هم خشکاندند. آنها اما دریچه‌ها زدند و برج‌ها ساختند و شدند آرزوی تفریح عید این مردم. خوزستان نفس می‌خواهد. ای داد.

مریم بویانی

دریابید!!! اینجا خوزستان است. شاهرگ اقتصاد وطن. این مردم هشت سال با چنگ و دندان در برابر مزدوران عراقی ایستادگی کردند. خوزستان نفس بریده را دریابید.

مهره شریفی‌نیا

امروز هوای تهران خوب شد ولی خوزستان هنوز هوا ندارد.

لادن سلیمانی

هرکی (مسئولین) هر جا، به هر کاری مشغوله (سرش گرم) به کارش ادامه بده! هواز شهری بازمانده از جنگ، جنگ‌دیده و جنگ‌زده، اسیر و شهید داده، مستحق هوای قابل تنفس نیست!؟

داستان عشق

فیلم‌های مهم عاشقانه تاریخ سینما معرفی شدند

سایت «IMDB» در اقدامی جالب و باتوجه به حال و هوای این روزها، فیلم‌های مهم عاشقانه (ژانر رمانتیک) را معرفی کرد. رتبه اول به فیلم «درخشش ابدی یک ذهن پاک» (۲۰۰۴) به کارگردانی «میشل کوندری» و بازی «جیم کری» و «کیت وینسلت» رسیده است. رتبه دوم، فیلم «قاتلان ماه عسل» (۱۹۷۰) به کارگردانی «لئونارد کسل» و

بازی «شیرلی استورل» و «تونی لو بیانکو»، رتبه سوم به فیلم «... احتیاط» (۲۰۰۷) به کارگردانی «آنگ لی» و بازی «تونی لینگ» و «تانگ وی» به زبان چینی و رتبه چهارم هم به فیلم «گمشده در ترجمه» (۲۰۰۳) به کارگردانی «سوفیا کاپولا» و بازی «بیل موری» و «اسکارلت جوهانسون» رسیده است. این لیست دارای ۱۷ فیلم است.

کارنامه مصدق و حزب توده

کتاب «کارنامه مصدق و حزب توده» به نویسندگی ارسلان پوریا با قیمت ۳۸ هزار تومان توسط نشر «ققنوس» منتشر شد. ارسلان پوریا، مولف کتاب، خود از اعضای مؤثر حزب توده در آن روزگار و شاهد بلافاصله وقایع و حوادث بوده است. این کتاب نخستین بار به کوشش خسرو شاکری در انتشارات مزک ایتالیا با حروف تایپی و گاه ناخوانا منتشر شده بود.

بر فراز شاهین‌ها

فاطمه صارمی از مستند «شهری برای همه» می‌گوید

بیکاری افراد دارای معلولیت آزار می‌دهد



این روزها مستند «شهری برای همه» به نویسندگی و کارگردانی فاطمه صارمی و تهیه‌کنندگی وحید مهدی‌زاده در روزهای پنجشنبه ساعت ۲۰ روی آنتن شبکه مستند می‌رود. دوستانی بودند که این مستند را دیدند و تازه متوجه شدند که تقریباً هیچ امکانات قابل توجهی برای افراد دارای معلولیت وجود ندارد. زندگی آنها بسیار سخت است. یکی از همکاران روزنامه‌نگار نیز می‌گفت که شهر تهران برای افراد سالم هم امکانات خاصی ندارد. بنابراین، باید تلاش دو چندان برای زندگی بهتر داشته باشیم. به همین مناسبت سراغ فاطمه صارمی رفتیم تا درباره مستند «شهری برای همه» و افراد دارای معلولیت بهتر توضیح دهد.

تا سه درصد از نیروی کارش از بین افراد دارای معلولیت باشد. اصلاً به صورت عملی چنین اتفاق نیفتاده است. همچنین تعداد خیلی کمی از افراد دارای معلولیت علاقه به انجام کارهای اجتماعی دارند و تلاشی در رابطه با حقوق شهروندی مساوی با دیگران نمی‌کنند. صارمی در رابطه با دیدن فیلم مستند توسط مردم شرح می‌دهد: «شبکه مستند در حال ساخت کارهای اجتماعی مهمی است. البته، آنها باید آثاری تولید کنند که حاوی دغدغه روز مردم مخصوصاً درباره جامعه، اقتصاد و به‌طور خاص سیاست باشد. این‌گونه است که مردم مستندها را خواهند دید. مستندبین‌ها، کتابخوان هستند.

اگر کتاب‌خوانی رواج پیدا کند مردم هم بیشتر مستند خواهند دید. کارگردان مستند «شهری برای همه» می‌افزاید: «مسئولان خیلی کم به دیدن مستند توجه دارند همان‌طور که به کارهای فرهنگی توجه ناچیزی دارند». نویسنده «شهری برای همه» در ادامه می‌گوید: در مستند «شهری برای همه» در ۱۳ قسمت به معضلات شهری پرداخته‌ایم، فکر نمی‌کنم که دیگر به سمت چنین موضوعی بروم. اما در حوزه توان‌بخشی به احتمال فراوان در سال آینده برنامه خواهیم داشت. از مردم دعوت می‌کنم تا این کار را تماشا کنند».



نمایی از فیلم «درخشش ابدی یک ذهن پاک»

تماشاخانه



دختران روس

دختران روس در مراسمی لباس‌های نظامی زنان کشورشان هنگام جنگ جهانی دوم را پوشیده‌اند.

شناسنامه

صاحب امتیاز: مصطفی خانزادی
مدیر مسئول: سیدمحمدصادق خرازی
مشاور مدیر مسئول: کاظم رهبر
سر‌دبیر: سرگه بارسقیان
معاون سر‌دبیر: سیدمحمد متقی

ناشر: گروه سرمایه‌گذاری دومان
اعضای تحریریه:
سیاسی: سیدمحمد رضا متقی، سعید شمس محمد جمالی
اقتصاد: حسین گنجی (دبیر)
آیویده علم‌چیلی، روح‌الله رضایی مقدم
ادب و هنر: حافظ روحانی (دبیر)
شهرزاد رویانی
دبیر: کا: محمد معماریان (دبیر)

ترجمه: خراسون بر اهوایی
نماینده: حامد کاظمی (دبیر)
عکس: رضا حسینی (دبیر)
مهدیه باقرزاده، مصطفی صفری
مدیر امور: ماتیکنه، مهدی توسلیان

دبیر اجرایی: پویان صفربیدگلو
اعضای فنی:
مدیر فنی- هنری: امین فریخی
صفحه‌آرایی: حامد صادقی، ایلیا بانلی
کل‌نوش: فریخی، علی توکلی

نشانی: خیابان نلسون ماندلا (چردن)
کوچه نور، پلاک ۵۲
تلفن: ۰۲۲۰۵۶۷۵۰
چاپ: هنر سرزمین سبز
توزیع: نشر گستر

حروفچینی: سوسن خامنه
ویراستاری: مهتاب محمدی
ملیکا شیخان، ندا بخشایش طلب
پوریا عبدالمجید، آرش جلالی
گروه بازرگانی: ۰۲۲۰۸۸۶۲۹